

## پیشنهاد های تازه اتحاد شوروی برای توقف مسابقه تسلیحاتی

میخائیل گورباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی سفر رسمی سه روزه به فرانسه، هنگام سخنرانی در برابر مجالس قانونگزاری این کشور، پیشنهاد های تازه و مهمی را برای توقف مسابقه تسلیحاتی و بمنظور تامین صلح و امنیت جهانی مطرح کرد.

رفیق گورباچف ضمن اشاره ای کوتاه به راه دشواری که حاکمیت شوروی پس از به قدرت رسیدن پشت سر گذاشته و روسیه تزاری را با اقتصاد عقب مانده اش در زمانی کوتاه از نظر تاریخی به اتحاد شوروی نیرومند کنونی، با خلقی بقیه در ص ۲

## ضد انقلاب به جای انقلاب

سلطه اقتصادی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران ناگزیر سایر عرصه های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قاطع خود قرار می دهد و جامعه را در تمام جهات در راستای منافع آزمندانه آنها به پیش می برد. آزادی کارفرمایان، صاحبان ثروت های بزرگ و بزرگ مالکان به اسارت کارگران و دهقانان و حاکمیت سیاسی نیرو های ارتجاعی به سرکوب تمام مظاهر آزادی و شکنجه و حبس و قتل نیرو های مترقی منجر می شود و در سرتاسر جامعه دروغ به جای حقیقت و ضد انقلاب به جای انقلاب می نشیند. این واقعیتی است که در کشور خود شاهد آن هستیم. بقیه در ص ۲



دوره هفتم سال دوم شماره ۷۱  
پنجشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

## چراغ

راه را

رهروان پدید کرده اند و راه

رهنمای رهروان بود کنون .

گرچه راه خود نشانه ایست پای

اشتیاق را

می نهند گامگاه

رهروان زخویشتن بر آن نشان خون.

راه بسته هست و راه کج .

کوره راه هست و شاهراه .

خون رهسپردگان و هبویه زمان چراغ  
رهنماست،

تا عیان کند به ما

راه را ز چاه .

رهروا، عزیز رهروا!

راه سربسر چراغ را ببین

راه در افق دویده راه غم شکاف!

همتی ، که باز پا نهمیم بر دراز راه

رغبتی که همراهانم بگذریم زمین شب

سیاه!

سیاوش کسرابی

شهریور ۱۳۶۴

## نقش زنان در جنبش توده ای

لنین رهبر کبیر زحمتکشان جهان در رابطه با نقش زنان در جنبش های انقلابی گفته است: "بدون شرکت زنان ، جنبش واقعی توده ای ممکن نیست."

واقعیات گذشته و حال جامعه ما، بارها و بارها صحت این سخن ارزشمند را به اثبات رسانده است. در تاریخ معاصر میهن ما هیچ جنبش اصیل توده ای را نمی توان یافت که نقش و حضور فعال زنان در آن به ثبت نرسیده باشد.

شرکت زنان در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری قبل و بعد از انقلاب مشروطیت (در جنبش تنباکو و در دوران انقلاب مشروطیت) ، شرکت زنان در سازمانها و تشکل های توده ای

بقیه در ص ۲

## "فدائی" و خوابهای خوش

سازمانهای چپ میهن ما طیف نامحکونی را می سازند که در عرصه های گونه گون دارای نگرشهای متفاوت و گاه متضادی هستند و بدون آن که در امور درون سازمانی یکدیگر دخالتی بکنند، در چارچوب سیاسی و ایدئولوژیک حتی باهم برخورد های خشن دارند. مروری در ارگانهای مربوط به این سازمانها بیانگر این واقعیت است. در این طیف، گروه نویسندگان "فدائی" در کسوت "مارکسیسم - لنینیسم"، با اهداف غیرمارکسیستی اظهار وجود می کنند.

از برخی نوشته های "فدائی" چنین برمی آید که اساس کار خود را دخالت در امور درون سازمانی و ایجاد رخنه و گسست در میان سازمانهای چپ قرار داده است. این گروه در عمل ضربات سخت و شکننده ای به جنبش وارد ساخته و اصولاً سنگ بنای آن بر همین پایه استوار شده است. "فدائی" که به مصداق آرزو بر جوانان عیب نیست داعیه بنیاد گذاری حزب طبقه کارگر را در سر می پروراند، بویژه تلاش بقیه در ص ۵

جشن اومانیته با شرکت صد ها هزار  
نفر در حومه پاریس برگزار شد در ص ۴

## پایان جنگ و توطئه های رژیم در منطقه درگروی وحدت عمل نیرو های ملی و مترقی

آتش جنگ همچنان شعله ور است و هر روز عده ای از جوانان ما طعمه این آتشی می شوند که امپریالیسم آمریکا به آن دامن می زند. افزون بر خسارات عظیم مادی که تا کنون وارد آمده، حملات جدید هوایی عراق به خارک و لطمه شدیدی که به تجهیزات بندری وارد شده، نتیجه ناگزیر سیاست اصرار سران ج.ا. در ادامه جنگ بی حاصل است.

در این میان آنچه بیش از پیش موجب نگرانی است، سیاست تجاوزکارانه رژیم ج.ا. در قبال همسایگان ایران است.

چند روز پیش رفیق ببرک کارمل دبیر کل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و صدر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان طی سخنرانی در اجلاس شورای انقلاب از جمله گفت: عملاً علیه کشور ما جنگ آشکاری در جریان است که فقط ایالات متحده آمریکا در شش ماهه اخیر ۶۰۰ میلیون دلار به آن اختصاص داده است. این مبلغ اضافه بر هزینه میلیارد دلاری صرف شده است. در این جنگ همچنین محافل ارتجاعی پاکستان و ایران و دیگر کشورها نیز شرکت دارند." و این در شرایطی است که رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان، به گفته رفیق ببرک کارمل، برای مذاکرات مستقیم با پاکستان و ایران به قصد کاهش وخامت کوش هم چنان ای کرده است.

دخالت آشکار رژیم ج.ا. در امور داخلی افغانستان از طریق تسلیح و تجهیز باندهای آدمکش و اعزام آنها برای خرابکاری به داخل افغانستان و حمایت مادی و معنوی رژیم از مشتبی عمال افغانی امپریالیسم در داخل ایران، تازگی ندارد. در واقع رژیم جنایت پیشه ج.ا. در این مورد مشخص نیز به سیاست رژیم گذشته ادامه بقیه در ص ۲

## نقش زنان در جنبش توده‌ای

بقیه از ص ۱

و دموکراتیک ( پس از تشکیل حزب کمونیست ایران و سپس حزب توده ایران ) نظیر " جمعیت نسوان وطنخواه " ، " جمعیت مخدرات وطن " ، " جمعیت پیک نسوان " و ... " تشکیلات دموکراتیک زنان ایران " ، " سازمان زنان ایران " ، شرکت در مبارزات ملی و دموکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان طی سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ ، شرکت زنان در جنبش ملی شدن صنعت نفت ، مبارزه و مقاومت سیاسی و آرمانی زنان آزادیخواه و آگاه کشورمان در زندانها و سیاهچالهای جهانی آریامهری و تحمل شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی در زندانها، شرکت فعال زنان کارگر و کارمندان در تظاهرات و اعتصابات کارگری ( شرکت زنان در اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های تهران در سال ۱۳۳۸ ) ، مبارزه سیاسی و فرهنگی دختران و زنان دانشجوی که فرغ مبارزه را روشن نگاه داشتند، مقاومت و رزم دهها هزارتن از مادران و همسران زندانیان سیاسی در برابر رژیم ستشاهی ، شرکت میلیونها تن از زنان و مادران وطن ما در نایشات رزمی و اعتراضی در اعتصابات سیاسی و صنفی که شهرها و روستاها را به خروش درآورد و صدها تن از آنان در کوچه‌ها و خیابانها به خاک و خون غلتیدند ( ۱۷ شهریور از نمونه‌های بسیار درخشان تاریخی است ) ، همه و همه گویای حضور همیشگی زنان در سنگرهای مبارزه علیه مظالم رژیمهای ضد مردمی و حاکم بر کشور بوده است .

در حقیقت در یک قرن اخیر ، زنان مبارز میهن ما در تمام اشکال مبارزه ، مخفی و علنی ، مسلحانه و غیر مسلحانه ، تمام نیرو و توان خود را بکار گرفتند ، هر روز فعالتر و پر شمارتر در مبارزات سیاسی - اجتماعی شرکت کردند و به تجربه دریافتند که دستیابی به کلیه حقوق خانوادگی و اجتماعی آنها ، رفع تبعیضات و تأمین حقوق برابر با مردان در تمام عرصه‌های زندگی ، تنها و تنها در گرو شرکت فعال و بیکیفر آنان در مبارزات اجتماعی است .

از همین رو بود که زنان قهرمان و فداکار وطن به پیشواز انقلاب شتافتند و نقش چشمگیر و بی‌نظیری در پیروزی آن ایفاء کردند ، در تظاهرات میلیونی خلق در پیشاپیش صفوف به حرکت درآمدند و رسالت تاریخی خود را به نحوی شایسته به انجام رسانیدند . با حضور فعال و شریک توده‌های زنان زحمتکش ، انقلاب ملی و دموکراتیک بهمن ۵۷ به پیروزی رسید ، اماسلحه شوم و سیاه ارتجاع قرون وسطایی " ولایت فقیه " تمامی آمال و آرمانهای این انقلاب عمیقاً مردمی را زیر پا گذاشته و " فقیه التاجران " و " وعاظ السلاطین " را بر جان و مال و ناموس مردم چیره ساخته است .

در این شرایط ، امروز بازم شاهد اسارت هزاران زن مبارز در فراموشخانه‌های رژیم و آزار و شکنجه و تیرباران کردن زنان انقلابی

## پایان جنگ و توطئه‌های رژیم

بقیه از ص ۱

می‌دهد .

برای احدی پوشیده نیست که رژیم شاه سیاست تجاوزکارانه خود را در مورد افغانستان با توافق کامل ارکان جاسوسی آمریکا - " سیا " - تنظیم می‌کرد و به مورد اجرا می‌گذاشت . امروز هم " سیا " سازمان دهنده و رهبری کننده اصلی باندهای جنایتکار افغانی در خارج است .

چنین همگونی و همسانی سیاست و اشنگتن و تهران در مورد کشور دوست و همسایه ما افغانستان ، پرده تزویر و ریا را از چهره سردمداران رژیم برمی‌دارد . روزی نیست که صدای ج.ا. خبری پیرامون اعمال جنایتکارانه این باندها ، که سران رژیم آنها را " مجاهدین اسلام " می‌نامند ، پخش نکند . مردم ایران می‌پرسند : این باندهای آدمکش چگونه " مسلمان " هستند که زیر پرچم " سیا " گرد آمده‌اند ؟

نظری حتی گذرا به سیاست رژیم ج.ا. در منطقه و از آن جمله اسرار در ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق و نیز تهدید کویت و دیگر شیخ نشین‌های خلیج فارس که در روزهای اخیر صریحاً از جانب مقامات مسئول ج.ا. مطرح می‌شود ، حاکی از خطر بزرگی است که منطقه ما را تهدید می‌کند .

در اینکه تشدید و خامت در سراسر منطقه به نفع امپریالیسم آمریکا است ، جای تردیدی نیست . واشنگتن با استفاده از جنگ ایران و عراق توانسته است که مواضع خود را در خاورمیانه و نزدیک تحکیم بخشد . این بزرگترین خدمتی است که سران رژیم به امپریالیسم آمریکا کرده و می‌کنند . هدف امپریالیسم آمریکا عبارت است از کوشش در راه استقرار سیادت کشورمان هستیم .

تجاوز به کلیه حقوقی که انقلاب برای زنان به ارمغان آورده بود با تصویب لوایح و مصوبات رنگارنگ زن ستیزانه از سوی فقهای تاریک اندیش ، شکل قانونی به خود می‌گیرد .

قوانین جاری در شرایط تسلط رژیم " ولایت فقیه " ، کلیه حقوق خانوادگی و اجتماعی را از زنان سلب کرده است . آنها را همچون کالایی ( که مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد ) ، نیمه انسانی محجور ، ضعیف و وسیله ازدیاد نسل قلمداد میکنند و اعتقاد دارند که زن نه تنها حق حضور آزاد و مستقل در عرصه‌های اجتماع را ندارد بلکه در خانواده باید گوش بفرمان مرد خود باشد .

امروز که رژیم سياهکار ج.ا. ، جو ترور و خفقان را بر جامعه حاکم گردانیده و در شرایطی که مبارزات حق طلبانه مردم اوج می‌گیرد ، رسالت سنگینی بر دوش زنان کشورمان نهاده شده است . در این شرایط تاریخی است که این حکم علمی بیش از پیش اهمیت می‌یابد : " پیروزی انقلاب منوط به آنست که در آن چه تعداد از زنان سهم گیری

سیاسی ، اقتصادی و نظامی در منطقه و تبدیل آن به پایگاهی برای تدارک جنگ هسته‌ای . علیه این سیاست باید مبارزه کرد . گسترش ناپره جنگ به کشورهای خلیج فارس خطری است که نه تنها حیات میلیونها انسان را در منطقه تهدید می‌کند ، بلکه صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر جدی قرار خواهد داد .

مردم ایران مخالف هرنوع دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و از جمله کشور همسایه ما افغانستان هستند و همکاری رژیم ج.ا. را با رژیم دست نشانده ضیاءالحق و " سیا " محکوم می‌کنند . مردم ما خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق و گسترش آن به دیگر کشورهای خلیج فارس هستند .

مبارزه در راه پایان دادن به جنگ و نبرد برای خنثی ساختن توطئه‌های رژیم در منطقه تشدید می‌شود . متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که این مبارزه هنوز پراکنده و سازمان نیافته است . این پیکار وقتی می‌تواند به نتیجه مثبت برسد که سازمان داده شود . برای دستیابی به چنین هدفی ، یگانه راه ، اتحاد نیروهای ملی و مترقی در جبهه واحد و با حداقل تأمین عمل مشترک آنها در این زمینه مشخص است . فقط از این طریق است که می‌توان مبارزات پراکنده خلق را برای پایان جنگ و صلح عادلانه متمرکز و منسجم کرد . پراکندگی نیروهای ملی و مترقی ، خواه ناخواه پراکندگی نیروهای ضد جنگ را موجب گردیده و ملاً تمربخشی آن را کند کرده است .

ما بار دیگر از همه آن نیروهای مترقی که خواهان پایان جنگ خانمان برانداز ایران و عراق هستند و توطئه‌های رژیم را در منطقه محکوم می‌کنند ، دعوت می‌کنیم تا در صف واحدی به پیکار علیه سیاست ایران برآمده رژیم ادامه دهند . این نیز جز از طریق وحدت عمل نیروها امکان پذیر نیست .

کنند " ( لنین - کلیات جلد ۲۷ - صفحه ۱۸۶ - ۱۸۵ ) وظایف کنونی زنان در مبارزات سیاسی - اجتماعی و در رابطه با اعتلاء جنبش عمومی و توده‌ای ، همانا مبارزه در راه آماجهای عمومی این مرحله از انقلاب ملی و دموکراتیک کشور است .

زنان میهن ما باید :

- برای برقراری صلح عادلانه و آرامش در کشور ، جلوگیری از اعزام نزدیکان خود به جبهه ، افشار سیاست توسعه طلبانه رژیم ، - جلوگیری از تشدید وابستگی به کشورهای امپریالیستی ، افشا پیمان " آ.سی.دی " ، قراردادهای نواستعماری با ژاپن و آلمان غربی و همچنین تفاله‌های امپریالیستی نظیر پاکستان و ترکیه و ... ،

- دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک ، مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی دربند ، ایجاد تشکل های صنفی و توده‌ای توده ای ، - الغاء قوانین مدنی خاص ملهم از قانون مدنی رضاخانی و به رسمیت شناخته شدن حقوق همسری و مادری زنان ، همچنین الغاء قوانین بقیه در ص ۷

## پیشنهاد‌های تازه اتحاد شوروی برای توقف مسابقه تسلیحاتی

بقیه از ص ۱

در سطح عالی فرهنگی تبدیل ساخته یادآور شد که ما به این دستاوردها قانع نیستیم و می‌خواهیم توسعه اقتصادی و فرهنگی خود را شتابان‌تر کنیم. درک این واقعیت دشوار نیست که تنها در شرایط صلح و آرامش بین‌المللی ما به هدف‌های بزرگی که در برابر نهاده‌ایم می‌توانیم دست‌یابیم. سیاست خارجی ما در همین راستا قرار گرفته است. ما می‌کوشیم در سیاست خارجی خود منافع و نیازهای خلق‌های و همه واقعات دوران معاصر را بنحو کامل در نظر بگیریم.

دنیای بغرنج و پراز تضاد با سرعت به پایان سده دوازدهم نزدیک می‌شود. مسائل بغرنج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درسراسر جهان فراوان است، جهانی که پس از مدت‌ها پیش در آن وجود دوتنظام اجتماعی که هم‌یک با قوانین مختص بخود زندگی می‌کنند و توسعه می‌یابند یک واقعیت است.

اما واقعیت دیگری را باید دید و آن اینکه مناسبات و وابستگی‌های متقابل میان کشورها و قاره‌ها پیوسته تنگتر می‌شود. برای توسعه اقتصاد جهانی، پیشرفت علمی - فنی و تکامل بعدی انسان‌ها و اشیاء در روی زمین و فضای کیهانی در یک کلمه برای مجموعه توسعه تمدن بشری از همکاری بین‌المللی گریزی نیست.

متأسفانه از دستاوردهای تمدن بشری همیشه بسود بشریت استفاده نمی‌شود و چه بسا دستاوردهای علم و صنعت برای ایجاد وسایل امحاء جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تحت چنین شرایطی پرسش مشهور هاملت از نومطرح می‌شود "بودن یا نبودن" آنها نه برای یک شخص بلکه برای تمام بشریت. پاسخ فقط یکی می‌تواند باشد - بشریت و تمدن را باید بهر قیمت از نابودی نجات داد. و این تنها هنگامی می‌تواند تحقق پذیرد که بی‌آموزیم در این سیاره کوچک باهم زندگی کنیم و منافع متقابل را در نظر بگیریم. ما این را سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز می‌نامیم.

ما آنقدر نیرومند هستیم که بتوانیم به هرکوشی که برای برهم‌زدن امنیت و کارمسالمت‌آمیز خلق ما صورت گیرد پاسخ ناپودکننده بدهیم. اما ما معتقدیم که صحت هرایدئولوژی و برتری‌هرنظام را نه بازور و اسلحه بلکه با ارائه نمونه باید ثابت کرد. اینکه کسی بخواهد مسائل موجود در برابر جامعه بین‌المللی را با توسعه و تکمیل جنگ افزارهای تخریبی نو و نوتر، هم در روی زمین و هم در فضای کیهانی حل کند بنظر ما فوق‌العاده خطرناک است.

امروزه وضع بین‌المللی چنان حادثه‌کننده که نه تنها در مورد مسائل تعویق ناپذیر بلکه پیرامون مسائل نسبتاً ساده هم نمی‌توان به توافق رسید. اگر جلوی این گرایش‌ها گرفته نشود فردا حتی گفتگو و تبادل نظر نیز دشوار خواهد شد.

به این جهت است که ما اینقدر مهم می‌دانیم که بدون تاخیر و تاوقتی که هنوز امکان وجود دارد مسابقه تسلیحاتی را متوقف سازیم، کاهش تسلیحات را آغاز کنیم، محیط بین‌المللی را سالم‌نمائیم و همکاری مسالمت‌آمیز را میان خلق‌ها توسعه بخشیم. این به سود همه است. این تکلیفی است که به همه مربوط می‌شود. اتحاد شوروی نه تنها دعوت به این کار می‌کند بلکه خود در این راستا عمل می‌نماید.

ما بطوریکه چانه‌بندی استقراری موشک‌های میان برد را در اروپا متوقف کردیم و از آمریکا خواستیم به همین صورت عمل کند. ما هرگونه آزمایش جنگ افزار اتمی را قطع کردیم و از ایالات متحده دعوت کردیم به همین ترتیب رفتار نماید. ما البته این دعوت را از دیگر کشورهای دارنده جنگ افزار اتمی نیز می‌کنیم.

اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی، بخصوص با کاهش نیروهای مسلح اتحاد شوروی و ایالات متحده در این منطقه آغاز شود. درعین حال ما حاضریم بسیار بیش از آمریکایی‌های نیروهای مسلح خود را در اروپای مرکزی کاهش بدهیم. تا آنجا که مربوط به فضای کیهانی می‌شود ما خواهان استفاده از آن فقط برای هدف‌های مسالمت‌آمیز هستیم و مصرا نه دعوت می‌کنیم در این باره توافق حاصل شود، زیرا گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهان مسئله کاهش جنگ افزارهای اتمی را بطور عینی غیرممکن می‌کند. بطوری که می‌دانید ما به سازمان ملل متحد پیشنهادی را پیرامون یک همکاری بین‌المللی در فضای کیهانی ارائه داده‌ایم.

اینک می‌خواهیم شما را از گام‌های تازه‌ای که اتحاد شوروی برداشته است مطلع کنیم.

نخست. این روزها ما به دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرده‌ایم که در مورد یک ممنوعیت دوجانبه برای استقرار جنگ افزار در فضای کیهانی و همچنین کاهش پنجاه درصد از سلاح‌های اتمی که خاک دوکشور را هدف گرفته است به توافق دست یابیم. لازم نیست تاکید شود که رسیدن به چنین توافقی چقدر در ایجاد ثبات استراتژیکی و استحکام اعتماد متقابل می‌تواند موثر باشد.

دوم. درباره سلاح‌های هسته‌ای بابرد متوسط که در اروپا هم به آن توجه دارند ما ممکن میدانیم که بدون وابسته‌کردن آنها به مسئله جنگ افزارهای کیهانی و استراتژیکی قراردادی بسته شود. بنظر ما چنین راه‌حلی عملی است.

در مورد ظرفیت هسته‌ای فرانسه و بریتانیای کبیر در تعادل نیروها در اروپا باید گفت که این ظرفیت بسیار زیاد شده و نمی‌توان از آن چشم پوشید. اینکه فرانسه بر این موضوع است که بدون

حضور او نمی‌توان درباره نیروهای هسته‌ایش مذاکره کرد کاملاً صحیح است. ما آماده‌ایم با فرانسه و همچنین با انگلستان مستقیماً در مورد نیروهای هسته‌ای آنها وارد مذاکره شویم.

سوم. شما می‌دانید که ما یک موراتوریوم در مورد استقرار موشک‌های میان‌برد در اروپا را اعلام کرده‌ایم. تعداد موشک‌های میان‌برد اس - اس - ۲۰ در منطقه اروپا به ۲۴۴ واحد محدود شده است. تعداد اضافی آنها اینک برچیده می‌شود و محل استقرار آنها نیز طی دو ماه آینده پیاده خواهد شد. ولی تأثیر متقابل ما در مورد سرزمین ایالات متحده آمریکا بقوت خود باقی می‌ماند.

حال که ما چنین گام‌هایی را از سوی خود بسود امنیت اروپا انجام داده‌ایم، فکر می‌کنم کشورهای اروپایی هم حق دارند از جانب خود از ایالات متحده آمریکا انتظار برداشتن گامی نظیر آنرا داشته باشند که در واقع عبارتست از متوقف کردن استقرار بعدی موشک‌های میان‌برد در قاره اروپا.

در یک جنگ هسته‌ای فاتح وجود ندارد. با این‌همه سیاستمداران مسئول توافق دارند. اما آن‌مان فرارسیده است که گام‌های علمی هم برداشته شود و مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای متوقف گردد. ما فکر می‌کنیم که همه نیروهای سیاسی و رجال شرافتمند و واقع‌بین و همه کسانی که میهن، زندگی، فرزندان و نوادگان خود را دوست دارند از این خواست پشتیبانی می‌کنند.

وظیفه ممنوع کردن کامل جنگ افزارهای شیمیایی نیز پیوسته فوری ترمی‌شود. اتحاد شوروی آماده است در تدوین یک موافقت‌نامه بین‌المللی در مورد عدم گسترش بعدی جنگ افزارهای شیمیایی شرکت کند. ما همچنین آماده‌ایم تا آنجا که امکان داریم بکوشیم تا در مرکز اروپا منطقه‌ای آزاد از جنگ افزارهای هسته‌ای ایجاد شود.

رفیق کارباچف در بخش دیگری از سخنان خود "جنگ ستارگان" را بمنابای یک تصور بسیار خطرناک توهین کرد و گفت خیلی ساده لوحانه است که کسی بخواهد مسئله امنیت را با تیزکردن شمشیر حل کند. امنیت در اروپا و در صحنه بین‌المللی تنها از راه همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدائی و خلع سلاح، تحکیم اعتماد و گسترش همکاری بین‌المللی می‌تواند تضمین گردد.

این راهی است طولانی و نه چندان هموار، بخصوص که باید بریدگانه‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و پیشداوری‌های ده‌ها ساله غلبه کرد. اما اگر ما می‌خواهیم زندگی کنیم راه دیگری وجود ندارد. و همانند همراه طولانی دیگر این راه با گام‌های نخستین آغاز می‌گردد که چه بسا بسیار دشوار است. ما این را می‌فهمیم و به این جهت می‌خواهیم به خود و به شما کمک کنیم. همه پیشنهادهای ما هم که درباره آنها صحبت کردم برای رسیدن بدین منظور مطرح شده است.

**مبارزه در راه صلح یک وظیفه انقلابی است**

# L'Humanité

ORGANE CENTRAL DU PARTI COMMUNISTE FRANÇAIS

## جشن اومانیتیه با شرکت صدها هزار نفر در حومه پاریس برگزار شد

بازدید کنندگان پر شمار غرفه ایران بازندانان سیاسی میهنمان ابراز همبستگی کردند و خواستار پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق شدند.

مشترک در جشن اومانیتیه شرکت می‌کردند، بازدیدکنندگان زیادی داشت. سردر غرفه با تابلوی بسیار بزرگی از تظاهرات مردم که حاصل کار و تلاش یک هنرمند توده‌ای بود تزئین شده بود و نقاشیهایی که نمایانگر همبستگی خلقهای گوناگون ایران بود، جلوه خاص و زیبایی به درون غرفه می‌بخشید. بازدیدکنندگان از غرفه، همبستگی خود با مبارزات مردم ایران را ابراز کرده و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. گروه زیادی از بازدیدکنندگان غرفه درخواست نامه قطع فوری جنگ و آزادی زندانیان سیاسی را امضاء کردند. سازمان حزب توده ایران در فرانسه با چاپ نشریاتی درباره وضعیت کارگران و دهقانان، زنان و زندانیان سیاسی و تراکتی درباره ضرورت پایان جنگ و آزادی زندانیان سیاسی و پخش وسیع آن تبلیغ گسترده‌ای را برای انعکاس مسائل ایران، طلب همبستگی با ایران و زندانیان سیاسی میهنمان و آشنایی بازدیدکنندگان با مواضع حزب توده ایران سازمان داد.

استقبال بازدیدکنندگان از غرفه به حدی بود که صدها نسخه از نشریات حزب به فروش رفت و برخی از آنها قبل از پایان جشن به اتمام رسید. گروه نوشین طی دو روز متوالی در این جشن برنامه‌ای شامل ترانه‌های فولکلریک و سرودهای انقلابی اجرا کرد که مورد استقبال زیاد تماشاگران قرار گرفت.

### کنفرانس مطبوعاتی در پاریس

بعد از پایان جشن "اومانیتیه" نمایندگان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کردند.

روزنامه "اومانیتیه" برگزاری این کنفرانس مطبوعاتی مشترک را به عنوان "یک واقعه" ارزیابی کرد و نوشت: "خود این کنفرانس به خودی خود یک واقعه است و نمایانگر نمونه‌وار برادری و مبارزه مشترک کمونیست‌ها برای صلح است که آنها را گردهم می‌آورد و جشن اومانیتیه هر ساله عرصه ویژه‌ای برای ابراز این هم‌رزمی است." در این کنفرانس مطبوعاتی کمونیست‌های دو کشور ضایعات انسانی و خسارات جنگ را برشمردند و مبارزه برای صلح را از مبارزه برای دموکراسی، تفکیک ناپذیر خواندند. سرانجام نقش جنگ در افزایش بخشیدن به حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه و شتاب بخشیدن به وابستگی دو کشور به کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های چند ملیتی در این کنفرانس مطبوعاتی مورد تأکید قرار گرفت.

سرزمین ملی، غنای سهم آن در جنبش اجتماعی و مشارکتش در اعتلای ارزشهای پیشرفت را آشکار می‌کند. این تاریخ هم چنین نشان می‌دهد که گاهی هم حزب ما اشتباه کرده و یا آن را به اشتباه انداخته‌اند. ولی یک روش اساسی همیشه به سراسر تاریخ آن جان بخشیده: حزب ما در هر شرایط و مرحله‌ای در کنار طبقه کارگر بوده و در راه برابری اجتماعی، آزادی، صلح و منافع ملی مبارزه کرده است... حزب کمونیست فرانسه به تاریخ خود افتخار می‌کند... البته چهل سال پس از نهضت مقاومت، زمان تغییر کرده است، اما مبارزه کمونیست‌ها در نهضت مقاومت فقط به گذشته مربوط نیست، بلکه این مبارزه ارزش‌هایی را حدادی و مستحکم کرده که الهام بخش مبارزه کنونی ماست. عشق به آزادی، طرد استبداد، سرکوب و رد نژادپرستی و تحقیر انسان در تمام اشکال آن در قلب مبارزات دائمی ماست. نپذیرفتن تسلیم (به بحران) و عزم به گردهم آوردن و متحد کردن همه کسانی که با حسن نیت می‌خواهند بر مشکلات فائق آیند، عمیقاً به مبارزات ما روح و توان می‌بخشد.

در اولین روز جشن، شهرک بین‌المللی که در آن ۵۴ نشریه احزاب کمونیست و سازمانهای دموکراتیک جهان غرفه داشتند توسط کاستون پلیسیونیه عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی از چهره‌های سرشناس نهضت مقاومت فرانسه کشایش یافت. وی پس از خوش آمدگویی به نمایندگان جراید حاضر در شهرک گفت:

"برای ما، همبستگی با خلقهای دیگر جزء همبسته میراث ملی و بخش تفکیک ناپذیر تاریخ حزب ماست.

ما حفظ همبستگی با جامعه سوسیالیستی که ۶۸ سال پیش پایه جهان گذاشت و خلق‌هایی که با رهایی از یوغ فاشیسم و استعمار در تغییر جهان مشارکت کرده‌اند را، به فراموشی نمی‌سپریم.

همچنین ما از آن‌هایی که هنوز زیر مهمیز استبداد، بدون سستی برای استقلال میهن خود و برای دست‌یابی به حقوق بشر مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم. جشن ما طی بیش از نیم قرن شاهد چنین همبستگی‌هایی است. شهرک بین‌المللی نمونه این همبستگی است.

امسال "آزادی برای نلسون ماندلا" به عنوان شعار اساسی شهرک بین‌المللی جشن اومانیتیه تعیین شده بود. بازدیدکنندگان با امضاء درخواست نامه‌های متعدد، خواستار آزادی وی و قطع همکاریهای دولت فرانسه با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بودند.

در شهرک بین‌المللی غرفه "نامه مردم" و "کار" که برای چهارمین سال متوالی بطور

۵۵مین جشن سالانه "اومانیتیه" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در شهر کورنو (شمال پاریس) با شرکت صدها هزار نفر و با شکوه هرچه تمامتر در روزهای ۱۴ و ۱۵ سپتامبر برگزار شد.

"اومانیتیه" حنجره و زبان کارگران فرانسه است و جشن آن آئینه‌ای از فراز و نشیب مبارزه بی‌گیر حزب کمونیست این کشور.

اولین جشن "اومانیتیه" پس از دستگیری پل وایان کورتوریه کمونیست نامدار، انترناسیونالیست برجسته و سردبیر وقت روزنامه و ضبط امکانات مالی این روزنامه، با شعار "روزنامه اومانیتیه را نجات دهیم" در سال ۱۹۲۰ برپا گردید. از آن سال تاکنون کارگران و



ژرژ ماشه دبیر کل و ماکسیم گرمس دبیر و مسئول روابط بین‌المللی حزب کمونیست فرانسه از شهرک بین‌المللی بازدید می‌کنند.

اعضای حزب کمونیست فرانسه، در کارخانه‌ها، شهرها، محلات و مناطق مختلف، ماهها برای برگزاری جشن سالانه روزنامه "اومانیتیه"

می‌کوشند. امسال کمونیستهای فرانسه برای تدارک نزدیک به ۶۰۰ هزار "بلیط حمایت از نشریات حزب کمونیست فرانسه" را بفروش رساندند. جشن براساس گزارش روزنامه "اومانیتیه" طی دو روز بیش از یک میلیون نفر بازدیدکننده داشت.

ژرژ مارش دبیرکل حزب کمونیست فرانسه هنگام افتتاح غرفه "کمونیست‌ها در نهضت مقاومت" گفت:

"آری، حزب ما به حق می‌تواند به گذشته خود افتخار کند... حزب ما علیرغم غیرقانونی کردن آن و سرکوبی که علیه مبارزان آن سازماندهی می‌شد، تنها سازمان سیاسی بود که به اشغال فرانسه تمکین نکرد... تاریخ فرانسه طی ۶۵ سال گذشته، عمیق‌تر شدن ریشه‌های حزب در

## فدائی و خوابهای خوش

دارد تا با دادن نسبتهای ناروا و ایجاد توهم در مورد حزب ما، برای خود آبرو و اعتبار کسب کنند: هدفی که هرگز به آن دست نخواهد یافت. در واقع "مبارزه" "فدائی" در تلاش مذبوحانه برای لجن مال ساختن دستاوردهای جنبش کمونیستی و کارگری کشور در بیش از چهار دهه اخیر به رهبری حزب ما، خلاصه می شود و این گروه می کوشد تا با استفاده از چنین شیوه های مردودی نردبام "ترقی" بسازد و نام و نشانی برای خود دست و پا کند. به اصطلاح قدما: جوان است و جویای نام آمده است. اما تجربه نشان داده که چنین مدعیانی خیلی زود مشت خود را باز کرده اند و کوس رسوائی شان بر سر بامها زده شده است.

این بار "فدائی" بهانه ناشیست تازه ای یافته و با دستاویز قراردادن اطلاعیه هیئت سیاسی حزب توده ایران - که یک مسئله درون-سازمانی است، عقده های ناگشوده را گشوده و هر چه را که دل تنگش خواسته، بیان کرده است. نویسندگان این نشریه در حزب توده ایران به اصطلاح خودشان "تناقض عمیق تئوری، سیاست و خط مشی حزب با واقعیت ها" (!) را "کشف" و در واقع آرزو کرده اند، به کادرها و اعضای هواداران حزب ما نسبت ناروای "حیرانی و سرگردانی و بی اطلاعی" (!!) داده اند و با دلائل واهی وانمود کرده اند که گویا "رهبری حزب از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کند". این گروه چنین تبلیغ می کند که در درون حزب ما گویا "بوروکراسی" جای دموکراسی را گرفته است.

آیا دادن چنین نسبتهایی به حزب ما در جهت تکمیل کار رهبران ج.ا. و طیف رنگارنگ دشمنان خلق نیست، و آیا چنین واقعیت مشمژکننده ای عملاً آن روی سکه هدفهای امپریالیسم و ارتجاع و دشمنان طبقاتی خلق را در مورد حزب ما، منتها با شکل و شمایل "چپ" تداعی نمی کند؟ چرا "فدائی" با سرهم کردن اینگونه بایوه ها و اظهار اطلاع از مسائل درون سازمانی حزب توده ایران، چون دایه مهربانتر از مادر به کسانی که الفبای دموکراسی، انضباط و ضرورت وحدت نظر را از آنها آموخته است، درس می دهد که "به کارگیری روش بوروکراتیک (!) حاصلی جز شکستهای سنگین تر آتی ندارد" و یا "وحدت و انضباط حزبی تنها و تنها با روشهای دموکراتیک قابل حصول است" و یا "سرکوب نظرات مخالف (!) چیزی جز سرکوب اندیشه و نیروی زندگی در درون حزب کمونیست نیست". آیا نویسندگان "فدائی" هنگام نگارش چنین سطوری، نظری به اعمال واقعاً غیردموکراتیک خود در گذشته انداخته اند؟ وانگهی، آیا واقعاً این توهمات که "فدائی" دامن می زند می تواند در درون حزب ما وجود خارجی داشته باشد؟ آیا در حزب ما "بوروکراسی" بجای دموکراسی نشسته و اندیشه ها "سرکوب" می شود؟ به چه دلیلی؟ فدائی دلیلی ندارد که ارائه کند. آیا "فدائی" در هیئت جریانی واقعاً دلسوز نسبت به جنبش کمونیستی کشور به دخالت در امور درون-

سازمانی حزب ما می پردازد و در این چارچوب سنگ ضرورت "وحدت و انضباط" را به سینه می زند، یا این که ریاکارانه هدفهای دیگری را دنبال می کند؟

"فدائی" (شاید بدون اطلاع از سند درون حزبی منتشر شده از جانب هیئت سیاسی حزب ما) در باره چگونگی مضمون اطلاعیه - که اعضای هواداران در حوزه ها و سازمانهای گونه گون حزبی درباره آن بحث کرده اند و نظرات خوررا اعلام داشته اند - تصمیم اتخاذ شده را نتیجه "نقض دموکراسی درون حزبی و بکارگیری شیوه های بوروکراتیک" که گویا در حزب ما "به یک قاعده متداول ارتقاء یافته" (!!) ارزیابی و به اصطلاح آن را محکوم کرده است.

لنین در "چپ گرایی، بیماری، کودکی کمونیسم" می گوید: جای تأسف است که می بینیم افرادی که بیگمان خود را مارکسیست می شمارند و میل دارند که مارکسیست باشند، حقایق اساسی مارکسیسم را به دست فراموشی سپرده اند" (ص. ۴۰ - از انتشارات حزب توده ایران).

جای شگفتی است، ارگانی که خود را پیرو سوسیالیسم علمی قلمداد می کند و قاعدتاً باید از شیوه ها و موازین لنینی حزبی نیز باخبر باشد، چگونه ضرورت مراعات این موازین را نادیده می گیرد؟ شما که چنین غیرمسئولانه درباره امور درون سازمانی حزب ما قلمفرسائی می کنید، از کجا و از چه کانالی و در ارتباط با چه کسانی از کیفیت این مسائل درون حزبی آگاه شده اید که اینچنین بی پروا اظهار نظر می کنید، و اصولاً منظور شما از طرح این دروغها و تهمتها و افتراها چیست؟ خدمت به جنبش کمونیستی، یا ضربه زدن به آن؟ آیا نمی دانید که مبنای تصمیم حزب درباره مضمون اطلاعیه ای که به آن اشاره کرده اید، نقض موازین اساسنامه ای است، و نه نظرات آنها؟ حزب توده ایران اساسنامه ای دارد که تمام افراد - از اعضای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی گرفته تا دیگر اعضا، و کادرها - ملزم به اجرای آن هستند. طبق این اساسنامه که برپایه اصول و موازین عام لنینی تنظیم شده و الزاماً باید مورد پذیرش همه اعضای حزب قرار گیرد، هر عضوی می تواند آزادانه در درون حزب نظریات خود را بیان کند. بدیهی است که حزب ما ضمن انعطاف پذیری و کوشش برای حل مسائل به شیوه کاملاً دموکراتیک و در نظر گرفتن اصل لنینی مرکزیت دموکراتیک دز شرایط کار مخفی، خطای تشکیلاتی را آن هم در ابعاد مورد نظر (مربوط به علل تعلیق سه نفر یادشده) نمی تواند ببخشد و از آن چشم پوشی کند. اگر "فدائی" نداند، اعضا و هواداران حزب به خوبی می دانند که حزب ما نه تنها هیچ عضوی را به دلیل داشتن نظر و اظهار آن طبق موازین اساسنامه ای مؤاخذه، بازخواست و توبیخ نمی کند، بلکه تشویق هم می کند. اگر منظور "فدائی" از چنین خلط مبحث هائی کل-آلود ساختن آب و ماهی گرفتن است، اشتباه می کند. اعضا و هواداران حزب ما و آنها که به

جنبش کمونیستی و کارگری کشور وفادارند، در عمل ثابت کرده اند که پشت به آرمانهای حزب خود نخواهند کرد و همواره در راه وحدت و انسجام آن خواهند کوشید. اشتباه "فدائی" در آن است که هنوز توده ایها را نشناخته است. باید به "فدائی" هشدار داد که بیهوده دست به چنین تلاشهای نامیمونی می زند.

"فدائی" از "تناقض عمیق تئوری و سیاست خط مشی حزب ما و ... سخن می گوید و چنین ادعا می کند که گویا بین کمیته مرکزی حزب و سازمانهای حزبی "کسیختگی" ایجاد شده و این "کسیختگی" موجب پیدایش دسته بندیهای مختلف در رهبری حزب شده است. "فدائی" در واقع آرزوهای خود را "حقیقت" می پندارد و به اشکال گوناگون بیان می کند. اگر در بین رهبری و سازمانهای حزبی "کسیختگی" وجود داشت، امروز حزب

نمی توانست پس از تحمل آن ضربه های "سنگین که متوجه آن شده است" - و گویا "فدائی" از این بابت احساس خوشی می کند - دیگر بار قد راست کند، هسته ها و سازمانهای خود را چه در داخل و چه در خارج از کشور سازمان بدهد و به انجام صفوف حزب بپردازد. امروز حتی دشمنان قسم خورده حزب ما نیز از این بابت انکشت حیرت به دندان می گزند. ما به "فدائی" توصیه می کنیم بجای این خواب و خیالها به ماهیت عمل خود بیندیشد که نه در جهت انجام جنبش، بلکه در جهت عکس آن است. این "فدائی" و امثال "فدائی" هستند که عملاً "در درون سازمانهای مختلف و در سطح جنبش تفرقه افکنی و پراکندگی را تداوم می بخشند، مسائل فرعی را بجای مسائل اصلی و منافع گروهی را مافوق مصالح جنبش انقلابی قرار می دهد"، نه ما. این "فدائی" است که می کوشد "کوشش و انرژی افراد و سازمانها را از جهت اصلی منحرف سازد" و "بجای بررسی عمیق و مسئولانه مسائل تئوریک و سیاسی و تقویت انرژی عناصر صادق" (که خیلی به آن نیاز دارند) نبرد بی فرجام خود را با حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران ادامه دهد و در واقع خود را تباه سازد.

چنین جریانهائی که همواره حزب توده ایران را آماج تهمت و افترا و ناسزا قرار داده اند، بسیارند. ما از نویسندگان "فدائی" می خواهیم اگر واقعاً داعیه کوشش برای ایجاد وحدت در صفوف جنبش را دارند، خود را از باتلاقی که دارند در آن فرو می روند بیرون بکشند و اینگونه کارها را بگذارند به عهده سلطنت طلبها و رسانه های گروهی امپریالیستی تا آنها انجام بدهند. اگر واقعاً شما طرفدار تقویت رشد جنبش انقلابی میهن ستمکشیده و براندازی رژیم "ولایت فقیه" هستید، حداقل حساب خودتان را از دشمنان طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آن، جدا کنید.

اعضا و هواداران حزب توده ایران این عمل نویسندگان "فدائی" را محکوم می کنند. توده ایها به هیچ نیروئی اجازه نخواهند داد تا در مورد درون سازمانی آنها مداخله کنند.

## در حاشیه رویدادها

### خمینی و انتخاب ریاست جمهور

- چگونه آقای خامنه‌ای دیگر بار بر صندلی ریاست جمهوری می‌نشیند؟  
پاسخ را از زبان خود ایشان بخوانید:  
"در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری قصد اعلام نامزدی و شرکت نداشتم... اما حضرت امام شرکت در چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را برای اینجانب لازم و به عنوان یک حکم شرعی و تکلیف شرعی بنده را موظف کردند تا در انتخابات شرکت کنم" (اطلاعات، ۶ شهریور ۶۴).

- "حضرت امام" از برگزیدن آقای خامنه‌ای چه هدفی را دنبال می‌کند؟  
- در یک کلام تقویت مواضع اقتصادی و سیاسی کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران و تحکیم شالوده‌های نظام سرمایه‌داری وابسته.  
- شاهد؟

- یکی از اهداف برنامه‌ای ریاست جمهوری فرمانبر "حضرت امام"؟  
"گرایش به دولت‌سالاری یکی دیگر از مشکلات ماست که نتایج این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده می‌کنیم... (خامنه‌ای - اطلاعات ۱۴ شهریور ۶۴).

بدینسان به تعبیر خامنه‌ای و به تأیید خمینی باید سرمایه‌سالاری را حاکم کرد تا مشکلات اقتصادی حل شود.

### سیاست جذب سرمایه‌داران فراری از زبان خود گردانندگان رژیم

دامنه بازگشت سرمایه‌داران فراری و بازگرداندن اموال مصادره‌ای آنها چنان ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته است که صدای کروب‌ی، نایب رئیس مجلس، هم درآمده است:  
"این صحیح نیست گروه اندک رفاه طلب فرار کرده از کشور... به ایران بازگردند و از طریق محاکم ثروت و اموال خودشان را باوستانند".

در بخش سانسور شده و با تاخیر چاپ شده اعترافات کروب‌ی - که "کیهان" بدان اشاره کرده - نیز از جمله می‌خوانیم:  
"سیاست جذب افراد که گفته شد در مورد مردم عادی و مستضعف است، ولی سرمایه‌داران فراری که اکنون به کشور بازگشته‌اند و طلب اموال خود را می‌کنند... در مورد این افراد سیاست جذب معنا ندارد... کسی از خارج آمده و کارخانه و اموال مصادره شده‌اش را گرفته حالا به خارج از کشور نامه نوشته که فدایت

شوم، من آمدم و گرفتم، تو هم بیا که می‌توانی بگیری".  
او همچنین درباره پیوستن سرمایه‌داران فراری به "انقلاب"، صداپتبه با چهره‌ای جدید، می‌گوید:

"اینگونه افراد ("سرمایه‌داران فراری") هم چهره خود و هم واسطه‌هایشان را عوض می‌کنند و از افراد ساده اندیش برای واسطه‌گری و گرفتن اموال خود استفاده می‌کنند... اگر امروز می‌گفتند که پول به فرح می‌دهم تا بتواند آزادانه عمل کند، حالا می‌گوید که ۵ میلیون تومان به فلان مسجد می‌دهم" (کیهان، ۲۰ و ۲۶ شهریور ۶۴).

### تحریکات جدید رژیم در منطقه

رژیم ج.ا. هر روز با ادامه جنگ، اقدامات تحریک آمیز خود را علیه کشورهای خلیج فارس تشدید کرده است، تا جایی که فرمانده نیروی دریایی به این کشورها هشدار می‌دهد:  
"در خواست ما این است که... از دشمن ما پشتیبانی ننمایند و امیدوارم کشتی‌های مشکوک را در سواحل خود پناه ندهند. چون ما به هر وسیله شده این کشتی‌ها را بیرون کشیده و یا اگر لازم باشد به قوه قهریه متوسل خواهم شد" (کیهان ۱۷ شهریور ۶۴).

### معنای جدید عدم وابستگی

در حالی که سرپای حیات اقتصادی کشور به واردات کالا وابسته است، رفسنجانی می‌گوید: "نباید مردم فکر کنند که بعضی ورود یک جنس از خارج ما وابسته شده‌ایم" (اطلاعات ۲۰ شهریور ۶۴).

### خلق ایران با سرنگونی رژیم به آرمان‌های شهدای ۱۷ شهریور جامه عمل خواهد پوشاند

روزنامه کیهان ۱۷ شهریور، در مطلبی که بمناسبت سالروز ۱۷ شهریور به چاپ رسانده است، ضمن بیان این حقیقت که پیش از انقلاب "ایران در اشغال غیر رسمی آمریکا بود" و در نتیجه حضور "فارتگران خارجی و داخلی و دربار" "جامعه ما را فقر و محرومیت عمومی فراگرفت و سرطان موسوم به نظام سرمایه‌داری و آزادی اقتصادی که لاجرم اختناق سیاسی جزء لاینجزای آن است را بر جامعه ما حاکم ساختند" می‌نویسد: "مردم" سه متحد شوم که هیچگاه از هم جدا نبوده و نخواهند بود یعنی "امپریالیسم، استبداد و استثمار" را مورد تهاجم شب شکنانه خود قرار دادند...".

آنگاه نویسنده مطلب می‌گوید: "یادآوری خاطرات ۱۷ شهریور از این دو بعد ضروری است. اولاً آن ۵۰۰ ستاره... چرا خود را فدا کردند؟ و ثانیاً دشمنان ما در آن جنگ نور و ظلمت چه کسانی بودند؟ بدون تردید آنان برای آزادی یعنی

## به‌ما می‌نویسند

### انتخابات یا افتضاحات؟

تحریم انتخابات ریاست جمهوری از جانب حزب ما و دیگر نیروهای مترقی، مورد استقبال اکثریت مهاجرین ایرانی واقع شد. بر پایه گزارش رسیده، در بریتانیا فقط معدودی از وابستگان رژیم در مضحکه انتخاباتی شرکت کردند. عوامل رژیم در سفارت ج.ا. برای خنثی ساختن فعالیت هواداران حزب که نقش چشمگیری در افشای رژیم داشتند چماقداران خود را در اطراف محوطه کنسولگری و محل اخذرای گماردند و با همکاری پلیس انگلستان به اقدامات به اصطلاح، امنیتی دست زدند. در این چهارچوب از جانب کنسولگری کشت ویژه‌ای سازمان داده شده بود. افراد این کشت وظیفه داشتند که تحت حمایت پلیس هواداران حزب، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و دیگر نیروهای مترقی را دستگیر کنند و در مسیر خود هر جا که به شعارها و تراکت‌های ضد رژیم و ثراخوان‌های تحریم خیمه‌شب بازی انتخابات برخورد کردند روی آنها رنگ بمالند. با همه این احوال تیر آنها به سنگ خورد و انتخابات ریاست جمهوری تبدیل به افتضاحات عوامل رژیم شد.

### ابداع منحصر به فرد رژیم در غارت منابع ملی

این روزها در کشورهای اروپایی می‌توان به بازرگانانی برخورد که هریک در جستجوی خریدار برای ده، بیست و یا پنجاه هزار بشکه نفت به این دروآن در می‌زنند. شاید به نظر مضحک بیاید، اما این پدیده نوظهوری است که اینک در مبادلات اقتصادی رژیم "ولایت فقیه" رایج گشته است و چیزی نیست جز سپردن مستقیم و بی‌رودربایستی ثروت ملی ما به دست سرمایه‌داران بزرگ. رژیم ده به علت وضع اقتصادی فوق العاده وخیم خود قادر به تأمین ارز خارجی برای بازرگانان نیست، بادست و دلبازی غیرمسئولانه‌ای به آنان نفت می‌دهد تا با بقیه در ص ۷

نفی استبداد، برای استقلال یعنی نفی وابستگی، برای عدالت اجتماعی یعنی نفی استثمار... به میدان تاختند، و حال وظیفه ما این است که در این اهداف بزرگ و اساسی بنگریم و ببینیم تا چه اندازه توانسته‌ایم به آرمان‌های حماسه سازان ۱۷ شهریور دست یابیم؟ و باید هر مانعی را در راه تحقق آن آرمان‌ها از سر راه برداشت.

در پاسخ به کسانی که همانند نویسنده سطور بالا باید گفت "مانع موجود"، همانا رژیم "ولایت فقیه" است دیری نخواهد پایید که خلق برای جامه عمل پوشاندن به اهداف انقلاب آنرا از سر راه خود بر خواهد داشت.

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

## ضد انقلاب به جای انقلاب

بقیه از ص ۱

رژیم ج.ا. با یک دست "کارخانه مائی را که اول انقلاب سرمایه داران رها کردند و فرار نمودند، کارگران شهانه روز حفاظت کردند و حتی برای حفاظت از آنها، بدست ضدانقلاب تعدادی شهید دادند و اکنون پس از طی مراحل به سوودی رسیده " به " صاحبان اولیه آنها مسترد می کنند ( نماینده خمینی شهر، " اطلاعات " ۲۶ تیر ۶۴ ) و با دست دیگر با تصویب و اجرای ارتجاعی ترین قوانین ضد کارگری یوغ استثمار و ستم را بر گردن زحمتکشان میهن ما تنگتر می کنند.

کارفرمایان مورد عنایت رژیم به استناد قوانین چاری کار " کارگران را اذیت و آزار و اخراج " می کنند ( وزیر کار، کیهان ۱۲ تیر ۶۴ ). همان سستی را که کارفرمایان و کلان سرمایه داران به کارگران می کنند خانها نیز در حق دهقانان روا می دارند. " خانها و فئودالها یعنی همانهایی که ظلم، خیانت و فساد کرده بودند و اول انقلاب حاضر بودند یک چیزی هم با دست خود پدهند و فرار کنند حالا با دست زدن به دامن این و آن " برمی گردند و سلطه شوم خود را دوباره اعمال می کنند ( نماینده مشرود " اطلاعات " ۲۲ مرداد ۶۴ ).

آزادی خان با اسارت دهقانان همراه است. از اینرو " در حال حاضر برخی از روستائیان به علت فعالیت روی اراضی کشت موقت هنوز در زندان پسر می پزند و حتی بعضی از اعضای هیئتهای واگذاری را تحت تعقیب قرار داده یا بازداشت کرده اند برای اینکه فلان مالک فراری بتواند به خواسته های خودش برسد

(نماینده منتظری در هیئتهای هفت نفره " کیهان " ۱۴ تیر ۶۴ ) و یا " اراضی از دست کشاورزان که دهها سال روی زمین کار کرده اند خارج و به عمده مالکان بر می گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم آنها را به زندان می اندازند، از جمله بعضی از کشاورزان گرمسار که اخیراً زندانی شده اند " ( نماینده زرنده، کیهان ۶۲/۷/۲۳ ) حتی دوزدوزانی نماینده مجلس رژیم اعتراف می کند که فئودالها، دهقانان را " ارباب، تهدید و ضرب و جرح و حبس و به آنان در منظر حتی خانواده هایشان هتک حرمت " می کنند (اطلاعات ۲۵ مهر ۶۴).

سلطه بلامنازع سرمایه علاوه بر تهاه کردن زندگی دهقانان و کارگران زبان حقیقت را می برد، عرصه را بر نیروهای ملی و مترقی تنگ می کند و در را چارطاق به روی عناصر خائن، وطن فروش و ضدانقلاب باز می گذارد. وقتی مناسبات تولیدی بر مالکیت افسارگسیخته خصوصی استوار باشد و مثنی ثروتمند، زحمتکشان یک کشور را استثمار کنند، تمام عرصه های جامعه به میدان یکه تازی و فعال مایشائی حامیان و مجریان اراده صاحبان زر و ثروت پدل می گردد و هر ندای انسان دوستی، آزادی خواهی و استقلال طلبی خفه می شود. در

چنین شرایط و چنین نظامی است که " طرح و دفاع از قانون اساسی مشکل " می شود ( کیهان در گفت و شنود با رئیس جمهور ۶۲/۱۰/۱۸ )، " افرادی که طاغوتی بوده و بازنشسته شده یا پاکسازی شده اند، مجدداً آقای وزیر کار آنها را برگردانده و از آنها حمایت می کنند " (ج.ا. ۲۸ آذر ۶۲ در گفت و شنود با وزیر کشاورزی) و نه تنها " نیروهای متعهد را منزوی می کنند و کنار می گذارند و افراد غیرمتعهد را پکار می گمارند " بلکه - به عنوان مشت نمونه خروار - " فردی که ابتدای انقلاب فراری و مفسد به تمام معنی بوده است، پس از مدتی برگشته و او را بر کار قهلی اش " می گمارند و " او هم از این جریان تا آنها استفاده کرده که طلب خسارت نموده و از او می پذیرند و تمام حقوق معوقه اش را " می پردازند. ( سید محمد کاظم امام موسوی، نماینده شوشتر ).

آزادی کامل ضدانقلاب با به بند کشیده شدن انقلاب و انقلابیون همزاد و همراه است. در ج.ا. هم دگراندیشان به صلابه کشیده می شوند و هم مسلمانانی که " فرمانشان چپ می زند " و می گویند " امام " قانون اساسی را نقض کرده و " انقلاب راهش را عوض کرده و به طرف دیگری دارد می رود " ( رفسنجانی ۱۶ شهریور ۶۲ ) منزوی، تهعید و زندانی می شوند.

در کنار این واقعیت، ناگهان کاشف پعمل می آید که حجتیه ای ها "عیب آنچنانی ندارند... آنها مزاحمتی برای ج.ا. ندارند و خدمت هم می کنند" ( رفسنجانی اطلاعات ۲۰ بهمن ۶۲ )، یعنی کسانی که پرونده مرجع تقلید آنها " از ساواک بیرون آمد و آن وقتی که جوانهای ما در خیابانها کشته می شدند، انگشتر برای محمد رضا فرستاده بود " و خروش خلق علیه رژیم سلطنت را " خیریت خوانده بود " ( خمینی، تیر ۱۳۶۰ ). ماهیت تغییر موضع رژیم نسبت به انجمن سیا ساخته حجتیه زمانی آشکارتر می شود که بدانیم " ایالات متحده آمریکا این سازمان را برای زمان بعد از خمینی به عنوان یک راه حل سیاسی ترجیح می دهد " ( از گزارش " فان ول " سفیر آلمان فدرال در واشنگتن به دولت متبوع خود ).

واقعیتهای مستند یاد شده مبین آن است که در نظام ج.ا. به موازات تحکیم پیش از پیش سیادت اقتصادی و سیاسی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران عرصه بر کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی پیش از پیش تنگ می شود و ضدانقلاب در تمام عرصه ها جایگزین انقلاب می گردد.

زحمتکشان میهن ما انقلاب کردند تا بساط استبداد، تهعیش اجتماعی و وابستگی را پرچینند و به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دست یابند. اگر در گذشته رژیم شاه مانع دستیابی به این اهداف عادلانه بود اینک رژیم مرتجع ج.ا. سد خواستهای توده های میلیونی کشور ما است. این سد را باید شکست و انقلاب را جایگزین ضدانقلاب کرد.

## به مای نویسنند

بقیه از ص ۶

فروش آن به هرقیبت و به هر شکل و در هر بازاری، برای خود ارز تامین کنند. این دیگر شاهکار خیانت به منافع ملی است که رژیم " ولایت فقیه " در ابداع آن منحصر به فرد است. اما نکته ای که شاید به مغز علیل سران رژیم خطور نکرده این است که عده ای از این تجار با سهمیه های کم ده و بیست هزار بشکه ای انگشت به دهان مانده اند که این مقدار نفت را با گرانی سرسام آور نرخ بیمه و هزینه نفتکش ها چگونه به خریداران خود تحویل پدهند؟

واگذاری ۶۹ درصد سهام

" ایران جوجه " به سرمایه داران

چندی پیش مبدت پنج نفره موضوع بند ۲ قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، حکمی را جهت بازگرداندن ۶۹ درصد سهام واحد " ایران جوجه " به صاحبان قبلی، به تصویب رساند و مخفیانه به آنها ابلاغ کرد. کارگران این واحد با آگاهی از این امر بسیار برآشفته شدند. کارگران به سرعت گردهم آمدند و ضمن محکوم کردن سیاست خصوصی کردن واحدهای صنعتی و تولیدی ملی شده تصمیم گرفتند که به سوی نخست وزیری، خانه کارگر و سازمان صنایع ملی راه پیمایی کنند. نمایندگان خانه کارگر و نخست وزیری که از جریان مطلع شده بودند، مراسم از حرکت کارگران با عجله خود را به واحد " ایران جوجه " رساندند و با معترضین به مذاکره پرداختند و بالاخره برای پی گیری در این امر از میان کارگران نماینده ات انتخاب شد. " ایران جوجه " تنها موردی نیست که به سرمایه داران پیشین عودت داده می شود. سیاست رسمی حاکمیت ج.ا. که از مدتها پیش آغاز شده است، بازگرداندن تمام واحدهای ملی شده صنعتی و تولیدی، بویژه واحدهای سوخته به سرمایه داران است. مقاومت آگاهانه و سازمان یافته کارگران این واحدها می تواند عامل موثری در خنثی ساختن این سیاست خائفانه سران رژیم باشد.

## نقش زنان در جنبش توده ای

بقیه از ص ۲

ارتجاعی قصاص، خدمت نیمه وقت بانوان، چند همسری مردان و برای گرفتن حق طلاق، پا به میدان مبارزه بگذارید.

مبارزه متشکل و سازمان یافته زنان می تواند نقش برجسته ای در جنبش انقلابی رو به اوج کشور ایفا کند.

ما از همه اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی می خواهیم که در این راه همه امکانات خود را به کار بگیرند.

بیاموزیم - افشاکنیم -

سازمان دهیم

بمناسبت سالگرد تاسیس فدراسیون سندیکایی جهانی

## چهل سال پیکار مستمر در راه منافع زحمتکشان

و ابعاد جهانی فدراسیون سندیکایی جهانی را بخوبی آشکار می کند.

بورژوازی انحصاری از مسابقه تسلیحاتی که توسط محافل نظامی و امپریالیستی دامن زده می شود در مبارزه طبقاتی و نیز به مثابه ابزاری علیه جنبش طبقه کارگر و منافع حیاتی کارگران استفاده می کند. از این رویکی از وظایف مهم فدراسیون سندیکایی جهانی پیکار در جهت صلح، تشنج زدائی و همکاری بین المللی است.

مبارزه فدراسیون برای بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان و ایجاد اتحاد بین سندیکاهای آنان از اهداف دیگر فدراسیون است. مبارزات کارگران در جهت ارتقاء و افزایش دستمزد و قدرت خرید، امنیت شغلی، بیمه و بازنشستگی، تامین مسکن و گسترش موسسات خدمات اجتماعی و رفاهی، تدوین قوانین کار انقلابی، شرکت سندیکاهای در مدیریت واحدهای تولیدی و نیز ایجاد تشکل و سازمان یابی کارگران همواره مورد پشتیبانی و حمایت فدراسیون سندیکایی جهانی قرار گرفته است.

بعنوان مثال اعلام همبستگی فدراسیون سندیکایی جهانی با مبارزات کارگران ایران که در شماره ۲ (۲۹ مارس ۱۳۸۵) بولتن خبری آن منتشر شده است و ما آن را در شماره ۵۰ نامه مردم منعکس کرده ایم نمونه گویای این امر است. فدراسیون از تمام سازمانهای سندیکایی و انقلابی جهان خواسته است تا صدای اعتراض خود را علیه جنایت رژیم جمهوری اسلامی راسر سازند و از همه راههای ممکن مبارزه طبقاتی کارگران ایران را برای صلح، آزادی و حقوق سندیکایی مورد حمایت قرار دهند.

فدراسیون سندیکایی جهانی دارای مجله ماهنامه ایست که به چندین زبان رنده دنیا منتشر می شود. انتشار بولتن خبری و نیز رادیوی فدراسیون، کمک دیگریست به پیشبرد مبارزه زحمتکشان جهان.

ما ضمن گرامی داشت این روز، چهلمین سالگرد تاسیس فدراسیون سندیکایی جهانی را به تمام زحمتکشان و بویژه اعضای میلیونی آن تبریک می گوئیم.

فدراسیون سندیکایی جهانی به رزم انقلابی خود ادامه داد و به سازماندهی مبارزات کارگران علیه سرمایه داری و امپریالیسم پرداخت.

کارگران و زحمتکشان ایران نیز به نوبه خود سهم خویش را در تقویت این سازمان بین المللی کارگری ادا کردند. کنفرانس جهانی سندیکاهای در ماه سپتامبر ۱۹۶۶ (۱۳۲۵) شورای متحده مرکزی را بعنوان یگانه تشکیلات سندیکایی دمکراتیک تایید کرد و با پذیرفتن شورای متحده مرکزی به عضویت فدراسیون سندیکایی جهانی موافقت کرد.

از آن زمان تا کنون که چهل سال از تاسیس فدراسیون سندیکایی جهانی می گذرد، فدراسیون توانسته است مبارزات وسیعی در حمایت از مبارزات زحمتکشان و دفاع از حقوق اساسی آنها سازمان دهد. برگزاری کنگره ها، کنفرانس های منطقه ای، سمینارها و سمپوزیوم ها راجع به مسائل مبرم زحمتکشان، با استقبال انبوه شرکت کنندگان روبرو شده است. فدراسیون توانسته است مصوبات زیادی منتشر کند که هر یک راهنمای عمل زحمتکشان در پیکار مقدشان می باشد. منشور حقوق سندیکایی، منشور تامین اجتماعی، منشور حقوق جوانان کارگر از جمله این مصوبات است.

عالی ترین مرجع فدراسیون، کنگره است که هر ۴ سال یکبار برگزار می شود. دهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی که در سال ۱۹۸۲ در هاوانا پایتخت کوبا و با شرکت نمایندگان ۲۶۹ میلیون کارگر از ۱۲۸ کشور جهان تشکیل یافت رویداد مهمی در تاریخ مبارزات فدراسیون بشمار می رود.

داشتن نمایندگان دایمی در سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی کار، همکاری مشترک و سودمند با نیروهای مترقی جهان همچون فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، فدراسیون بین المللی زنان دمکرات، شورای جهانی صلح، انجمن بین المللی حقوق دانان دمکرات... اعتبار

سوم اکتبر ۱۹۸۵ برابر با ۱۱ مهر ۱۳۶۴ مصادف است با چهلمین سالگرد تاسیس فدراسیون سندیکایی جهانی. تاسیس این سازمان صنفی دمکراتیک و مستقل زحمتکشان که هم اکنون بیش از ۲۶۹ میلیون عضو از ۱۲۸ کشور جهان را در بر می گیرد، به اولین کنفرانس جهانی اتحادیه ها برمی گردد که از سوم تا هشتم ماه اکتبر سال ۱۹۴۵ در پاریس برگزار گردید و در آن نمایندگان ۶۷ میلیون کارگر از ۵۶ کشور جهان شرکت جستند. اهدافی که سندیکاهای کارگری کشورهای مختلف را به ایجاد فدراسیون سندیکایی جهانی تشویق می کرد عبارت بود از ایجاد جهانی فارغ از فاشیسم، جنگ، استعمار، تبعیض نژادی و استثمار سرمایه داری و مبارزه برای گسترش دوستی و همکاری میان تمامی خلقها. زحمتکشان جهان در سال ۱۹۴۵ با ایجاد فدراسیون سندیکایی جهانی قدم مهمی در جهت از بین بردن پراکندگی و تفرقه در صفوف زحمتکشان جهان برداشتند و کوشیدند تا مبارزات خود را بسود صلح، دمکراسی، استقلال و بهبود شرایط کار و زندگی کارگران مشترکاً سازمان دهند.

فدراسیون در سالهای اول پس از جنگ جهانی دوم دست به فعالیت وسیعی علیه امپریالیسم نظامی گری و استعمار زد و به همین خاطر خشم امپریالیسم جهانی را نسبت به خود برانگیخت. امپریالیسم جهانی از اینکه می دید زحمتکشان جهان در عین دارا بودن جهت گیریهای متنوع بگردم آمده و سازمان واحد، مترقی، دمکراتیک، توده ای و طبقاتی ای تشکیل داده اند به خود میلرزد و با تمام قوا می کوشید تا در صفوف متحد کارگران تخم پراکندگی و تفرقه بکارد. در سال ۱۹۴۹ به تحریک امپریالیسم و ارتجاع، انشعابی از سوی برخی اتحادیه های کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی در فدراسیون روی داد. لیکن علیرغم این انشعاب،

### کمکهای مالی رسیده:

از شمال غرب آمریکا ۱۱۰ دلار  
از جنوب غرب آمریکا ۶۰۰ دلار  
هدیه تولد کاوه ۱۵۵ دلار  
هدیه تولد ماندانا ۲۵۰ دلار  
از جنوب غرب آمریکا ۲۰ دلار  
از شرق آمریکا ۵۰ دلار  
دوستان حزب در بالتیمور ۲۰ دلار  
ک. مشتاق آزادی ۴۰ دلار



غرفه حزب توده ایران در جشن روزنامه "لاند اوگنولک" ارگان مرکزی حزب کمونیست دانمارک

NAMEH  
MARDOM  
No: 71

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

10 Oktober 1985